خبر

پویش رسانه‌ای «دفاع از کیان میهن» راه‌اندازی شد

به‌دنبال تجاوز جنایت‌بار رژیم‌صهیونیستی به خاک جمهوری اسلامی ایران، پویشی با عنوان «دفاع از کیان میهن» در میان اصحاب رسانه راه‌اندازی شده است. در این پویش قرار است دست‌اندرکاران تولید محتوا در رسانه‌های کشور حمله ناجوانمردانه رژیم جعلی صهیونیستی و کشتار فرزندان ملت بزرگ ایران را محکوم کنند. اصحاب رسانه کشور می‌توانند با مراجعه به حساب کاربری خود در سامانه جامع رسانه‌ها به نشانی الکترونیکی: e-rasaneh.ir به این پویش بپیوندند و بیانیه را امضا کنند. به نقل از روابط عمومی معاونت امور رسانه‌ای وزارت ارشاد، در این بیانیه که به امضای جمع زیادی از فعالان رسانه‌ای رسیده، آمده است: ما، روزنامه‌نگاران، خبرنگاران، عکاسان، مدیران و فعالان رسانه‌ای در سراسر کشور، تجاوز آشکار و جنایت‌بار رژیم صهیونیستی به خاک مقدس میهن‌مان ایران را که به شهادت مظلومانه جمعی از هموطنان بی‌گناه منجر شد، محکوم می‌کنیم. در ادامه این بیانیه، حمله صهیونیست‌ها به عنوان نقض آشکار تمامیت ارضی کشور و مصداق بارز تروریسم دولتی توصیف و تأکید شده است که رسانه‌های کشور با هرگرایش سیاسی، در صف نخست دفاع از استقلال، امنیت و عزت ملی ایستاده‌اند.



مگذار این همه با آینه‌ها سر به سر ای سنگ!

در گفت‌وگوی «جام جم» با شاعر و خواننده تیتراژ «ناریا» از تأثیر ادبیات و موسیقی بر مخاطب سریال گفتیم



دکتر نازلی مروت
گروه رسانه

سریال تلویزیونی «ناریا» که این روزها از شبکه یک درحال پخش است و به قسمت‌های پایانی خود رسیده، به روایت تلاش دشمنان برای مقابله با دانشمندان ایرانی و مقابله با قدرت‌گیری ایران در جهان امروز پرداخته است. پخش این سریال که قسمت‌های پایانی آن با حملات دشمن صهیونیستی همراه شده، نشان‌دهنده توجه رسانه ملی به موضوعات راهبردی و تبیین اهمیت حفظ دستاوردهای علمی دانشمندان ایرانی است.

این روزها تیتراژ این سریال که دارای مضمونی نزدیک به شرایط امروز کشور است، مورد توجه قرار گرفته است. به همین دلیل سراغ شاعر و خواننده آن رفتیم و از آنها درباره این اثر موسیقایی که در بین مخاطبان اثرگذار بوده پرسیدیم.

در فرهنگ ایرانی پیوندی ناگسستنی میان ادبیات و موسیقی برقرار است؛ پیوندی که در کوران اتفاقات سیاسی و فرهنگی روزگاران ریشه‌های عمیق خود را حفظ کرده و جوانه‌های تازه زده است. استفاده هنرمندان سینما و تلویزیون از جوانه‌های این پیوند مبارک در قالب ساخت تیتراژ فیلم و سریال یکی از رویدادهایی است که سبب جذب مخاطب شده است. دکتر محمدمهدی سیار و امیریل ارجمند در یک همراهی هنرمندانه ضمن پایبندی به ادبیات و موسیقی از تلفیق این دو، اثری خلق کرده‌اند که در میان بینندگان سریال تلویزیونی ناریا خوش درخشیده است.

محمدمهدی سیار، شاعر نام‌آشنا که این روزها یکی از اشعارش نگاه‌ها را به قدرت واژه و بیان عمیق ادبیات معطوف ساخته و امیریل ارجمند، هنرمند عرصه موسیقی و سینما که با نگاهی ویژه به سازونواشناخته می‌شود، از پیوند ناگسستنی موسیقی و ادبیات و ذائقه مخاطب سخن می‌گویند. این گفت‌وگو نه‌فقط شرحی بر فرازهای هنری این دو نفر بلکه تأملی عمیق بر همزیستی دیرین شعر و موسیقی در آفرینش‌های ماندگار است. در یکی از خاص‌ترین تجربه‌های تلفیق ادبیات فاخر با تصویر و موسیقی، تیتراژ پایانی سریال ناریا شکل گرفت؛ اثری که نه صرفا یک ترانه بلکه بازتابی است از جدال دیرپای خیر و شر با ارجاعاتی به مفاهیم اسطوره‌ای و پشتوانه فرهنگ ایرانی.

آقای سیار! قصه همکاری شما با تیم تولید تیتراژ پایانی سریال «ناریا» از کجا شروع شد؟

سیار: ماجرا با یک تماس تلفنی شروع شد. داشتم رانندگی می‌کردم که امیریل ارجمند تماس گرفت و گفت قرار است تیتراژ پایانی سریال جدیدی به نام ناریا را کار کنیم. خودش نقش پلیس سریال را بازی می‌کرد. داستان و فضای کلی سریال را برای من شرح داد. ناریا در بطن خود نوعی تقابل و جنگ عمیق دارد. حتی اسم سریال هم تصویری متضاد با «ایران» ایجاد می‌کند. همین اشاره‌های ابتدایی کافی بود ذهنم برود سراغ یکی از غزل‌هایی که قبلا گفته بودم؛ شعری که مضمونش به‌نوعی با روایت سریال و جدال خیر و شر گره خورده بود.



ارجمند: جایگاه دکتر سیار در ادبیات کشور مشخص است. همان‌طور که ایشان اشاره کردند برای انتخاب شعر، قصه سریال را برای‌شان توضیح دادم. بعد از کمی فکر، شعر را پیشنهاد دادند. این شعر به دلیل واژه‌های پیچیده‌تر و عمق مفاهیم، کمی دغدغه ایجاد کرد که آیا مخاطب توان ارتباط برقرارکردن با آن را خواهد داشت.



با این حال پس از تصمیم‌گیری و نهایی شدن آن دیدیم که این شعر توانسته با سریال و بعد با مخاطب ارتباط برقرار کند. این فرآیند انتخاب شعر نشان‌دهنده دقت و حساسیت بالایی بود که در انتخاب تمامی عناصر این پروژه اعمال شد. همکاری با دکتر سیار تجربه‌ای بسیار ارزشمند بود. زیرا ایشان نه‌تنها یک شاعر برجسته هستند بلکه دیدگاهی عمیق نسبت به فرهنگ و هنر دارند که این دیدگاه در اشعارشان به وضوح منعکس می‌شود.

سیار: البته این را بگویم که شعر مدت‌ها پیش از آشنایی با پروژه سروده شده بود اما وقتی آقای ارجمند شروع به توضیح دادن کردند، متوجه شدم مفاهیم سریال کاملا با این شعر نسبت دارد. این غزل درباره تقابل است و یک سوی این تقابل، طرف حق است و سوی دیگر باطل که غلبه ظاهری دارد. مضمون غزل به‌وضوح بیان می‌کند: «مگذار این همه با آینه‌ها سر به سر ای سنگ/ که نه دارم سر جنگ و نه به دل واهمه از جنگ». یعنی یک نزاع عمیق که فرد اهل جنگ نیست اما ناچار به روبه‌رو شدن است.

نکته جالب پیوند اسطوره و فرهنگ در اشعار شماست. آیا عناصر اسطوره‌ای هم در اقتباس تیتراژ پررنگ است؟

سیار: قطعا همین‌طور است. بیت‌هایی در غزل وجود دارد که ارجاعات آشکار اسطوره‌ای دارد. بیت «زرهی بافته داوود پریروز برایم/ زرهی پودش از آهن زرهی تارش از آهنگ» هم ترکیب سختی و نغمه دارد و هم اشاره‌ای به قدرت‌های نهفته در اسطوره‌های ایرانی و قصه‌های قرآنی است. داوود پیامبر اولین زره‌ساز تاریخ است و در عین حال صاحب نغمه‌ای خوش است. من این دو بعد را در شعر آورده بودم و متوجه شدم کاملا با فضای سریال و جدال‌های ماورایی‌اش هم‌راستاست.

جدال بین خیر و شر را در لایه‌های مختلف سریال می‌بینیم؛ چه امنیتی، چه اقتصادی، چه حتی روحی و معنوی. شعر من هم همین مضمون را دنبال می‌کند. مثلا در یکی از بیت‌ها به هفت‌خوان رستم اشاره کردم: «چشم بر مژده دیدن بگشایید رفیقان/ که به خون جگر دیو سپید است مرا چنگ». این ارجاعی مستقیم به اسطوره و وضعیت فعلی جامعه است که گاهی با فتنه‌های پیچیده و نابینایی‌های فرهنگی و اجتماعی مواجه می‌شویم.

ساخت موسیقی روی متنی با این سطح از پیچیدگی ادبی دشواریهایی دارد. با این چالش چگونه کنار آمدید؟

سیار: هیچ‌وقت فکر نمی‌کردم این غزل به قصه موسیقی تبدیل شود. اگرچه برای آثار متعدد دیگری شعر گفته‌ام و مردم با آنها ارتباط برقرار کرده‌اند اما همیشه این شعر را به‌عنوان دستاوردی تماما ادبی تلقی می‌کردم. انتخاب این شعر برای استفاده در تیتراژ جسارت می‌خواست. چون هم در لایه معنا و هم در فرم سخت است و هضمش برای موسیقی و حتی مخاطب عام می‌توانست دشوار باشد اما آقای ارجمند اصرار داشتند کار سخت باشد و به‌قول خودشان «عرق‌ریزان روح» رقم بخورد.

ارجمند: این شعر واقعا پیچیده بود و چالش‌های زیادی داشت. مثل پرش‌های صدایی و تحریرهای خاص که باعث شد تکنیک‌های خاصی را به‌کار ببریم. برای اجرای موفق این شعر نیاز بود خواننده نه‌تنها از توانایی‌های آوازی بالایی برخوردار باشد بلکه بتواند عمق معنایی و ظرافت‌های کلامی شعر را درک و منتقل کند. باید معنای واژگان در موسیقی برجسته می‌شد تا مخاطب بتواند حس و مفهوم شعر را به‌خوبی دریافت کند. این تلفیق شعر و موسیقی تأثیر بسیاری روی کیفیت اجرا گذاشت. تلاش کردیم با استفاده از دینامیک‌های صوتی، تغییرات تمپو و رنگ‌های صوتی مختلف، هر واژه و هر بیت را به بهترین شکل ممکن بازنمایی کنیم. پیچیدگی شعر باعث شد با حساسیت بیشتری روی هر نت و هر تحریر کار کنیم؛ تا جایی که کوچک‌ترین تغییر در لحن یا حجم صدا می‌توانست تأثیر بزرگی بر درک مخاطب از معنای شعر داشته باشد. این چالش‌ها درواقع فرصتی برای خلاقیت بیشتر و کشف ابعاد جدیدی از توانایی‌های صوتی و موسیقایی بود.

فرآیند ساخت موسیقی تیتراژ چگونه پیش رفت؟

ارجمند: در آغاز یک فضای خصوصی بین من، دکتر سیار، تهیه‌کننده و صدابردارمان آقای نیماگنجی شکل گرفت. این فضای اولیه برای بحث و تبادل نظر پیرامون ایده کلی کار، تنظیمات اولیه موسیقی و چگونگی تلفیق شعر با ملودی بسیار حیاتی بود. ابتدا ماکت کار آماده شد و بعد از بررسی توسط آقای افشار و سایر تهیه‌کننده‌ها مثل آقایان مصری‌پور و قدمی کار وارد مرحله تولید شد. این مرحله شامل ضبط نهایی، سازبندی و میکس و مسترینگ بود. تیم موسیقی سازمان صداوسیما نیز از ما حمایت کرد که جا دارد از این عزیزان تشکر کنم. حمایت‌های فنی و لجستیکی سازمان صداوسیما نقش مهمی در کیفیت نهایی کار داشت. همکاری با این تیم مجرب و حرفه‌ای باعث شد بتوانیم با اطمینان خاطر بیشتری روی جزئیات هنری تمرکز کنیم و نتیجه‌ای درخور مخاطب ارائه دهیم. هر کدام این افراد در جایگاه خود نقش بی‌بدیلی در شکل‌گیری و موفقیت این تیتراژ داشتند.

چه بازخوردهایی از مخاطبان و تیم سریال گرفتید؟ آیا فکر می‌کنید مخاطبان با شعر و فضای اسطوره‌ای و ادبی اثر ارتباط برقرار کردند؟

سیار: بازخوردهای خیلی خوبی گرفتم. برخی مخاطبان بعد از شنیدن شعر از تلویزیون، دنبال شاعر آن افتادند و در صفحه شخصی من پیام گذاشتند که چقدر با این شعر و اجرا ارتباط برقرار کرده‌اند. این برای من ارزشمند است. چون نشان می‌دهد شعر جدی گرفته شده و نه‌فقط به‌عنوان یک تیتراژ گذرا بلکه به‌عنوان بخشی از هویت معنایی سریال دیده شده است. خیلی‌ها به‌طور خاص به پیوند خوب شعر و سریال و الهام‌بخش بودن آن اشاره کرده‌اند.

ارجمند: بازخوردها واقعا مثبت بود. بسیاری گفتند تیتراژ را تا پایان گوش می‌دهند و کار را تحسین کردند. حتی دوستان متخصص و مخاطبان عمومی این اثر را دوست داشتند. این بازخوردهای مثبت نشان‌دهنده آن بود که تلاش‌های ما برای ایجاد ارتباط عمیق با مخاطب به ثمر نشسته است.

چنین ترکیبی از شعر، موسیقی و تصویر چقدر می‌تواند در ماندگاری آثار فرهنگی و تلویزیونی اثرگذار باشد؟ جایگاه شعر در این میان چیست؟

سیار: معمولا تیتراژ خوب می‌تواند تا مدت زیادی نام سریال و حس و حال آن را در ذهن‌ها حفظ کند. به‌خصوص اگر بین شعر و فضای سریال پیوند واقعی ایجاد شده باشد. در این تجربه خاص، جسارت تیم تولید، انتخاب شعر دشوار و اجرای خاص آقای ارجمند باعث شد این پیوند عمیق‌تر باشد. اگر این ارتباط عمیق شکل بگیرد، دیگر رابطه مخاطب با اثر، سطحی و گذرا نخواهد بود بلکه اثرگذار و ماندگار می‌شود. شعر به‌عنوان زبان جمعی ملت ماست. هرکجاکه شعر جدی گرفته و با اثر رسانه‌ای ترکیب شود، عمق و هویت می‌آورد. تجربه‌های پیشین، درک فضای نمایشی، قدرت ترکیب موسیقی با شعر و شناخت مخاطب عام و خاص را بیشتر می‌کند.

در مورد ناریا سعی شد دقت و وسواس بیشتری خرج شود و نقاط عطف همکاری‌های قبلی تقویت گردد.

ارجمند: به‌نظر من تیتراژ در خاطره‌سازی و حفظ مخاطب خیلی مهم است. یک تیتراژ قوی می‌تواند دروازه‌ای برای ورود به دنیای اثر باشد و حتی پس از اتمام سریال، در ذهن مخاطب باقی بماند. نمونه‌های جهانی مثل موسیقی فیلم پدرخوانده نشان می‌دهند که یک موسیقی خوب می‌تواند اثر را به یادگار در ذهن مخاطب ثبت کند. تیتراژ ناریا با ترکیب شعر عمیق، ملودی دلنشین و اجرای هنرمندانه، توانست جای خود را در دل مخاطبان باز کند و به‌عنوان یک بخش جدایی‌ناپذیر و به‌یادماندنی از سریال در ذهن‌ها باقی بماند. دغدغه من این است که فرهنگ مردم ایران بسیار غنی است و باید شاعر و موسیقیدان با ادبیات و موسیقی فاخر آن را در سطح واقعی خود به نمایش بگذارد. نباید اجازه دهیم که فرهنگ ما تحت تأثیر جریان‌های سطحی و کم‌عمق قرار گیرد.

آیا مفهومی خاص یا مصرعی از شعر بود که بیشتر با آن ارتباط برقرار کنید؟

ارجمند: بیتی که برای من بیشتر جذاب بود این بیت است: «مکش این‌گونه به رخ صورتکا رنگ و رویت را/ محو بی‌رنگی‌ام همان‌گونه که از رو برود رنگ». این بیت را در تیتراژ به دو شیوه مختلف خواندم. مفهوم بی‌رنگی و صداقت در این بیت برای من بسیار عمیق و جذاب بود. این بیت نمادی از حقیقت و جوهره وجودی انسان است؛ این‌که باید از ظواهر فریبنده گذر کنیم و دنبال اصالت و بی‌رنگی باشیم. در دنیای امروز که مملو از رنگ‌ها و ظواهر پرزرق و برق است، یافتن این بی‌رنگی و صداقت درونی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. اجرای این بیت با دو لحن متفاوت، به این دلیل بود که می‌خواستم ابعاد مختلف معنایی آن را به نمایش بگذارم.

در یک لحن، دنبال بیان التماس و خواهش درونی برای رسیدن به بی‌رنگی بودم و در لحن دیگر بر جنبه فلسفی و عمیق‌تر این مفهوم تأکید کردم. این بیت برای من یادآور آن است که زیبایی واقعی در سادگی و بی‌غل و غشی است نه در تظاهر و خودنمایی. این ارتباط شخصی با شعر به من کمک کرد اجرای عمیق‌تر و صادقانه‌تری داشته باشم.

سیار: فکر می‌کنم بهترین حرف این سریال و این شعر همان است که می‌گوید: «مگذار این همه با آینه‌ها سر به سر سنگ/ که نه دارم سر جنگ و نه به دل واهمه از جنگ». این مصرع، هم مضمون کل سریال را جمع‌بندی می‌کند و هم پیامی انسانی و فرهنگی دارد. ما اهل جنگ و خشونت نیستیم و واهمه‌ای از تقابل نداریم اما تمام تلاش ما رفتن به‌سمت صلح، عدالت و آرامش است. حتی اگر ناچار به جدال هم بشویم، انتخاب ما همیشه خیر جمعی و سلامت جامعه بوده و هست.



محمد مهدی سیار

امیریل ارجمند

قاب



روایت راه‌اندازی پدافند ساوه

«بمب‌ها می‌آیند» با روایتی از تلاش‌های شبانه‌روزی تیم سردار عطاالله بازرگان برای راه‌اندازی سایت پدافندی ساوه، از شبکه مستند پخش می‌شود. این اثر با ارائه روایتی دقیق و مستند از یکی از مهم‌ترین پروژه‌های پدافندی کشور، به مخاطبان نشان می‌دهد که چگونه تخصص، تعهد و تلاش جمعی می‌تواند در برابر تهدیدات بزرگ، امنیت و آرامش را به ارمغان آورد. مستند بمب‌ها می‌آیند به تهیه‌کنندگی محمد نجفی و کارگردانی مهدی ملکی امروز ساعت ۱۵ تقدیم علاقه‌مندان شبکه مستند سیما می‌شود.

مستند



قرائتی بین‌المللی از تحریم نفتی ۱۹۷۳

احسان شادمانی، تهیه‌کننده مستند «سلاح نفت» از محصولات سازمان هنری رسانه‌ای اوج در گفت‌وگو با ایلنا، اظهار کرد: کارشناسان این مستند، افرادی هستند که روی پرونده تحریم نفتی کار کرده و پژوهش‌هایی جدی داشتند و حتی برخی از این افراد پایان‌نامه دکترای‌شان مربوط به این موضوع می‌شود. این تهیه‌کننده درباره اهمیت کالبدشکافی موضوعات تاریخی و کشف ریشه اتفاقات منطقه، گفت: وقتی با بسیاری از دوستان یا فعالان فضای مجازی صحبت می‌کنیم اکثرا مخالف مبارزه با اسرائیل نیستند. ما در این مستند به سمت یک کالبدشکافی و ریشه‌یابی رفتیم، به ۵۰ یا ۶۰ سال پیش رجوع کردیم که اعراب با اتحادی که داشتند توانستند چنین مقابله‌ای رقم بزنند و حالا اگر اتحادی به همان صورت، شکل بگیرد، می‌توان ۱۰۰۰ برابر قدرتمندتر بود.

این مستند به‌زودی از شبکه‌های داخلی و شبکه‌های عرب‌زبان و چند شبکه بین‌المللی پخش خواهد شد.

تازه‌ها

سریال «خاک خونبار» در شبکه تهران

شبکه تهران مانند دیگر شبکه‌های تلویزیونی در واکنش به شرایط کشور و دفاع همه‌جانبه مردم ایران در برابر تجاوز ارتش رژیم اشغالگر دست به تغییراتی در کنداکتور خود زده و یکی از برنامه‌های جدیدی که روی آنتن برده، سریال «خاک خونبار» بوده که نخستین قسمت آن از شبکه تهران پخش شده است. به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی سیما، این سریال در گونه درام جنگی محصول ۲۰۲۴ فلسطین هرشب به مدت ۴۵ دقیقه از قاب شبکه تهران تماشایی می‌شود. خلاصه روایت این اثر از این قرار است که بلال، یکی از جوانان مبارز روستای تل‌الصبر که گمان می‌شود به دست اسرائیلیان کشته شده است؛ نجات می‌یابد و با کمک زنی به نام ام‌عگسر، دوباره مبارزات خودش را از سر می‌گیرد. سریال خاک خونبار، داستان زیبایی را از یکی از این مقاومت‌های افتخارآفرین در روستایی از کشور فلسطین روایت می‌کند. این سریال هرشب ساعت ۲۳ پخش و تکرار آن ساعت ۱۱ و ۱۹ خواهد بود.